



قِلاب برای لنگر است

قایق و کشتی بندر است

این قِلاب این قایق است

این قایقِ مرد چاق است



ق - ق

هم‌وای عربی



قوی قَشَنگِ تو آبه

بچه‌ی قوِ هَمِ خوابه

تو آسیمون عَقابه!

فِکِرِ شِکارِ نابه

مَبادا قو بخوابه!

ق - ق

نرم‌گامی، بسته



ق ق



قورباغه



قارچ



قیچی



قوری



عقاب



قیف



چراغ قوه



قاشق



قو



قهوه ای



بوق



عقرب

ق ق ق ق

درس ۱۲ همکاری



قندان



قوری



چاقو



بُشقاب



قاشق

آزاده قندان را پُر از قند می‌کند.

مادر قاشق و بشقاب را می‌شوید.

پدر قوری و استکان را به اتاق می‌برد.

قق

آ ب ب آ د م م س س او و ت ت ر ن ای ای ای ز ا ه ه ش ش ی ی ا ک ک و

پ گ گ ف ف خ خ ق ق ل ل

ق ا ق ق و ق ی ق و ق ه

قُرآن - قَنَدان - قَند - قوری - قاشق - اُتاق - قایق - بُشقاب - قناری - قشنگ -

مُسابِقَه - قَفَس - بَرَق - قِرْمِز

آقا قاسم و اکرم خانم امروز به خانه ی ما آمدند. مادر قوری را روی سَاور

قرار داد. پدر قندان را پُر از قند کرد. من استکان و قندان را به اُتاق

بُردم. دیروز وقتی از مدرسه بر می گشتم قناری زخمی را کنار سبزه پیدا کردم

و قَفَس قشنگی برای پرنده خریدم. من مقداری دانه در بُشقاب برای قناری

ریختم.

